

شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۹۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۷۲ • ۹

# شرق

## جهان • هنر

|                                                            |                |
|------------------------------------------------------------|----------------|
| <b>«ده» سیاسی تراز «ناکسی» است</b>                         | <b>صفحه ۱۰</b> |
| <b>فرهاد توحیدی: مخالفان خانه‌سینما همچنان در کمین‌اند</b> | <b>صفحه ۱۱</b> |
| <b>حمله زمینی به یمن، باتلاق آل سعود است</b>               | <b>صفحه ۱۲</b> |

|             |
|-------------|
| <b>نگاه</b> |
|-------------|

#### حکومت ۱۵ساله بشار اسد

**رها معتمدی**: «همه مردم سوریه، خواهان اصلاحات هستند؛ رابطه میان حکومت و مردم رابطه فشار نیست. این رابطه به پاسخ‌گویی به نیازها و مطالبات مردم و رسیدگی به حقوق آنها وابستگی دارد. ما از گذشته در پی اصلاحات بوده‌ایم که این مسئله در تصمیم‌های دولت در سال‌های قبل نمایان است. اما من با کسانی که خواستار اصلاحات هستند، همراه هستم. البته شاید در این‌باره تاخیر داشته‌ایم، اما اصلاحات را از همین حالا شروع می‌کنیم.»
این سخنان رئیس‌جمهوری سوریه در روزهایی که دمشق تازه با بحرانی که سراسر منطقه را دربر گرفته روبه‌رو شده، یادآور زمانی است که با تغییر قانون اساسی، «بشار اسد» جانشین پدرش «حافظ» شد. هنگامی که بشار اسد پس از فوت پدرش، در ۱۷جولای ۲۰۰۰ میلادی به‌عنوان رئیس‌جمهوری جدید سوریه زمام امور این کشور را در دست گرفت، کمتر کسی می‌توانست روی این موضوع شرط‌بندی کند که او ۱۵سال بعد هنوز بر سر پست خود باقی خواهد بود. در سوریه که فرض بر این بود کشوری عربی با حکومت مبتنی بر دموکراسی است، انتقال قدرت از پدر به پسر امری بی‌سابقه بود اما ۱۵سال پس از به‌دست‌گرفتن قدرت، بشار اسد هنوز رئیس‌جمهور سوریه است.

در آن‌زمان کمتر کسی باور داشت که بشار جوان بتواند در مدت کوتاهی به جایگاه پدر در سوریه و در سطح بین‌المللی دست پیدا کند؛ ولی او با شایستگی‌ای که از خود نشان داد، نهن‌تها به جایگاه پدرش دست یافت، بلکه توانست جایگاه سوریه را در منطقه و به‌ویژه در بین کشورهای عربی ارتقا دهد. نخستین اقدامی که بشار اسد پس از جانشینی پدرش انجام داد، بهبود شرایط اقتصادی دمشق بود. با اجازه بشار بانک‌های خارجی و همچنین بانک‌های مختلف در این کشور تأسیس شد. او همچنین اجازه بازکردن حساب‌های ارزی را به شهروندان سوری واگذار کرد و با این سیاست‌ها تا حدودی وضعیت اقتصادی را بهبود بخشید.

به‌لحاظ سیاسی نیز او دوسال اول را به تثبیت حکومت جدید خود در سوریه مشغول بود. بعد از گذشت سال‌های نخست، اسد نگاه خود را به بیرون مرزهای سوریه متوجه و سعی کرد در منطقه به‌ویژه در پرونده‌های حساسی مثل لبنان، فلسطین و عراق نقش بیشتری را ایفا کند. اسد در آن زمان از یک‌سو تحت فشار غرب برای مسائل داخلی سوریه بود و از سوی دیگر، تحت فشار بود تا حمایت از جریان‌های مقاومت مثل حزب‌الله و حماس را متوقف کند. پس از حمله آمریکا به عراق، او با اتهام کمک به گروه‌های عراقی به‌ویژه نیروهای بعثت مواجه شد. بااین‌حال، بشار اسد در مدت‌زمان کوتاهی نشان داد که از هوش سیاسی و دکاوت زیادی برخوردار است. او در عرصه سیاست‌خارجی نیز بسیار موفق ظاهر شد و برای بقا در این میدان از برگه‌های بسیاری استفاده کرد؛ مسئله اشغال جولان و قطعنامه‌های شورای امنیت برای بازگشت جولان به سوریه، کلید موفقیت اسد بود. اما خروج نیروهای سوری از لبنان که بعد از ۳۰ سال در سال۲۰۰۵ و بعد از ترور «رفیق حریری»، نخست‌وزیر سابق لبنان صورت گرفت، بزرگ‌ترین تهدید برای کرسی اسد به‌شمار می‌رفت، اما او این‌بار توانست از این بحران‌ها با درایت خارج شود. بشار با متانت و بدون شتابزدگی در این حادثه عمل کرد و به‌واسطه این سیاست‌ها، سوریه از دست‌داشتن در ترور رفیق حریری برتر نه شد.

با تمام این ویژگی‌ها، اسد اکنون با پدیده‌ای جدید روبه‌رو شده است؛ با آغاز حوادث خاورمیانه، بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند دمشق از بحرانی که منطقه را فراگرفته است، در امان خواهد بود. دلیل این ادعا را نیز باید در تعبیری جست که «سپهر اتاسی»، مخالف دولت سوریه از کشورهای ارائه دانه است؛ او سوریه را «قلمو سکوتی زیر سلطه ترس» می‌داند.

به‌دلیل حالت فوق‌العاده‌ای که بعد از کودتای نظامی از دسامبر۱۹۶۴ اعلام شد، سوریه کمتر شاهد به‌رگزاری تظاهرات بود و می‌توان گفت تنها در سال۲۰۰۴ بعد از مسابقه فوتبال در شهر «قامیشلی» و به دلیل فشارهای بی‌شماری که به کردها می‌آمد، میان کردها و برخی عشایر عرب درگیری به‌وجود آمد و به‌دنبال این درگیری و با دخالت نیروهای امنیتی با کشته‌شدن تعدادی از آنان، حدود دوهزارنفر بازداشت شدند. اما حوادث کنونی در این کشور ماهیتی کاملاً متفاوت دارد. اسد در مقایسه با سایر حاکمان خاورمیانه، سیاست عاقلانه‌تری را در پیش گرفت. در مقایسه با «حسنی مبارک» ۸۲ساله و «بن‌علی» ۷۴ساله، ۴۲ساله بودن و جوانی اسد برای او نوعی امتیاز محسوب می‌شد تا او از سرنوشتی که برای همتایان مصری و تونس‌ی‌اش رقم خور، فرار کند. «جاشوا لاندیس» یکی از متخصصان مسائل سوریه می‌گوید خلاف حسنی مبارک، اسد جوان در میان جوانانی که تمایل دارند فساد را به گردن اعضای قدیمی و پایه‌گذار حزب بعث بیندازند، از محبوبیت خوبی برخوردار است. بسیاری از کارشناسان معتقدند اگر اسد بتواند این‌بار نیز با پاسخ‌دادن به خواسته‌های مردم، راه را روی دخالت دیگران ببندد و مانند ۱۵سال گذشته هوشیارانه عمل کند، می‌تواند سوریه را از این بحران نیز خارج کند. اما سخنان اسد، این امید را کمرنگ می‌کند: «در حال حاضر همه‌مسئله در سوریه درهم پیچیده شده است؛ مسئله اول اصلاحات، موضوع دوم نیازهای معیشتی مردم و مسئله سوم فتنه است. ما انکار نمی‌کنیم که برخی از مردم سوریه به خواسته‌های معیشتی در تظاهرات مشارکت داشتند. آنان توطئه‌گر نبودند، اما از اقدام آنها سواستفاده شد. در واقع در وضعیت کنونی سوریه، مسئله‌ای با عنوان نظریه توطئه وجود ندارد و توطئه با تمام جوانب آن در سوریه آغز شده است».

#### یادداشت

#### خسته‌از جنگ طلبی

با وجود بحران اقتصادی در سال‌های اخیر در ایالاتمتحدهآمریکا، واشنگتن روزبه‌روز بر هزینه نظامی خود برای مقابله با گروه تروریستی داعش اضافه می‌کند و کمک‌های مالی زیادی را برای جنگ‌طلبی‌های «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل اختصاص می‌دهد. اگر چه مردم آمریکا به خاطر هراس از تهدیدات داعش به‌ویژه پس از بریده‌شدن سر چندآمریکایی و انتشار فیلم‌های آنها، از هزینه نظامی علیه این گروه حمایت می‌کنند، اما به طور حتم از هزینه‌های اسرائیل که در طول شش‌دهه اخیر سنگین‌تر شده است، به ستوه آمده‌اند.

واشنگتن از سال ۲۰۰۸ تاکنون به‌طور میانگین حدود ۶۵۰میلیارددلار در زمینه نظامی هزینه کرده که برابر با ۳/۸درصد تولید ناخالص این کشور بوده است. هزینه‌های نظامی آمریکا در سال‌های اخیر بیش از یک‌سوم هزینه‌های تسلیحاتی کل جهان بوده است. موسسه تحقیقات «صلح» استکهلم اعلام کرده ایالاتمتحدهآمریکا در راس کشورهای است که بالاترین هزینه نظامی را دارد.

تبدیل‌شدن مالیات‌های مردم آمریکا به سپر موشکی برای اسرائیلی که خود عامل و محرک ه‌رئوع مناقشه نظامی در منطقه است، از نظر بسیاری از مردم آمریکا، و حتی یهودیان مخالف نتانیاهو توجیه‌پذیر نیست. این هزینه‌ها زمانی که در کنار هزینه‌هایی که دولت «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا به مخالفان دولت «بشار اسد» همتای سوری او کرده است، قرار می‌گیرد، مبالغ هنگفتی می‌شود که همگی از مالیات‌های شهروندان آمریکایی تأمین می‌شود. مالیات‌دهندگان آمریکایی در حالی باید چنین هزینه‌هایی را تحمل کنند که وضعیت مردم محتاج به غذای روزانه در این کشور روزبه‌روز بدتر می‌شود و با طرح محدودکردن برنامه کمک‌غذایی در قالب کاهش اهدای بن، حدود ۲۷میلیون فقیر در آمریکا که غالب آنها زن و کودک هستند، در معرض ناشمی غذایی قرار می‌گیرند. جمهوری‌خواهان کنگره لایحه‌ای تصویب کردند که براساس آن در طول ۱۰سال آتی، ۱۵میلیارددلار از بودجه‌ای که برای به‌ای غذایی مستمندان اختصاص می‌یابد، قطع و تا سال۲۰۱۶، چهارمیلیون‌نفر از کسانی که مشمول این برنامه می‌شوند، حذف شوند. این لایحه افراد بین ۱۸ تا ۵۰سال را مجبور می‌کند برای بازپرداخت مزایایی که به آنها تعلق می‌گیرد، کار کنند یا آموزش کار ببینند و حتی از گیرندگان این وجوه آزمایش اعتیاد می‌گیرد.

این واقعیت‌های جامعه آمریکا زمانی که در برابر میزان روبه‌رشد کمک‌های واشنگتن به اسرائیل قرار می‌گیرد، تبدیل به فاجعه‌ای می‌شود که به‌خاطر تبلیغات رسانه‌های تحت سلطه صهیونیسم در نگاه و تفکر بسیاری از مردم آمریکا کم شده است و اقلیتی که از این فاجعه آگاه هستند، در دریای تبلیغاتی لابی صهیونیست ناپدید شده‌اند.



# هم طرازی «مدرنیسم مرتجعانه» نازیسم با «واپس گرایی انقلابی» داعش

بهرترین شکل ممکن اندیشه فاشیستی یعنی تلقیق ستایش فناوری مدرن در کنار رد میراث روشنگری و ارزش‌ها و نهادهای لیبرال دموکراتیک را بیان می‌کند. «توماس مان» همین ویژگی ترکیب فناوری مدرن با آرمان بازگشت به گذشته را «خطرناک» می‌داند. از همین‌رو بود که «اسوالد اشینگلر» تئوریسین نازی‌ها تأکید داشت جوان‌ترها باید زندگی خود را به‌جای شعر وقف فناوری کنند و نیروی دریایی نظامی، سودمندی بیشتری نسبت به هنر نقاشی دارد. «ارنست یونگر» معتقد بود باید از فناوری به‌طور نامحدود به ضرورت به‌عنوان ابزاری موثر برای پیشبرد سیاست‌های نظامی و ملی‌گرایانه استفاده کرد. او از کثرت‌گرایی مدرن و تنوع و تناقض و ارزش‌های مدرن متنفر بود. «ریچارد گرون» نویسنده به هواداری از نازی‌ها می‌نویسد: «در دنیای بی‌رحم امروز ملتی که شعر می‌گوید شکست‌خورده است ملتی که فلسفه می‌ورزد گرسنه است؛ ملتی که زیبایی‌شناس است سوزهای برای مضحکه است تنها ملتی که قادر به تولید اسلحه و ماشین و کالا باشد می‌تواند زنده بماند.»

در مقابل، مشابه همین دیدگاه را می‌توان در میان بنیادگرایان مسلمان جست. «حسن الشرقاوی» بنیادگرای مصری معتقد است آتاتورک پیام‌آور چیزی بیش از خط غرب نبود. الشرقاوی با اشاره به تفاوت هدف بنیادگرایان با او می‌نویسد: «این هدف ما نیست. هدف ما آموختن چگونگی استفاده از سلاح‌های مدرن و بیش از آن چگونگی ساخت و تولید انبوه آنها برای شکست دشمنانمان است.» این دید کلی بنیادگرایان به‌خصوص داعش است. «یوسف‌القرضاوی» در سال۱۹۹۸ در کتابی تحت عنوان «عناصر راه‌حل اسلامی و تردید نسبت به سکولاریسم و غربگرایی» که در قاهره منتشر شده، اشاره می‌کند که تنها راه بازگشت به راه‌حل اسلامی نابودکردن راه‌حل‌های وارداتی از جمله لیبرالیسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم سکولار است.

**نفی «دیگری»:** **از انگل‌های یهودی تا جاسوسان مرتد**

تنها راهی که از دید جنبش‌های فاشیستی می‌توان از طریق آن جاده نابودی انسان‌ها را هموار کرد، کشتن انسانیت است. زمانی که برای فردیت انسان ارزشی قابل نباشی و انسان‌ها را به اکثریت عامی و اقلیتی خاص

تبدیل‌شدن مالیات‌های مردم آمریکا به سپر موشکی برای اسرائیلی که خود عامل و محرک ه‌رئوع مناقشه نظامی در منطقه است، از نظر بسیاری از مردم آمریکا، و حتی یهودیان مخالف نتانیاهو توجیه‌پذیر نیست. این هزینه‌ها زمانی که در کنار هزینه‌هایی که دولت «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری آمریکا به مخالفان دولت «بشار اسد» همتای سوری او کرده است، قرار می‌گیرد، مبالغ هنگفتی می‌شود که همگی از مالیات‌های شهروندان آمریکایی تأمین می‌شود. مالیات‌دهندگان آمریکایی در حالی باید چنین هزینه‌هایی را تحمل کنند که وضعیت مردم محتاج به غذای روزانه در این کشور روزبه‌روز بدتر می‌شود و با طرح محدودکردن برنامه کمک‌غذایی در قالب کاهش اهدای بن، حدود ۲۷میلیون فقیر در آمریکا که غالب آنها زن و کودک هستند، در معرض ناشمی غذایی قرار می‌گیرند. جمهوری‌خواهان کنگره لایحه‌ای تصویب کردند که براساس آن در طول ۱۰سال آتی، ۱۵میلیارددلار از بودجه‌ای که برای به‌ای غذایی مستمندان اختصاص می‌یابد، قطع و تا سال۲۰۱۶، چهارمیلیون‌نفر از کسانی که مشمول این برنامه می‌شوند، حذف شوند. این لایحه افراد بین ۱۸ تا ۵۰سال را مجبور می‌کند برای بازپرداخت مزایایی که به آنها تعلق می‌گیرد، کار کنند یا آموزش کار ببینند و حتی از گیرندگان این وجوه آزمایش اعتیاد می‌گیرد.

این واقعیت‌های جامعه آمریکا زمانی که در برابر میزان روبه‌رشد کمک‌های واشنگتن به اسرائیل قرار می‌گیرد، تبدیل به فاجعه‌ای می‌شود که به‌خاطر تبلیغات رسانه‌های تحت سلطه صهیونیسم در نگاه و تفکر بسیاری از مردم آمریکا کم شده است و اقلیتی که از این فاجعه آگاه هستند، در دریای تبلیغاتی لابی صهیونیست ناپدید شده‌اند.

**پاورقی‌ها:**
1-Herf, Jeffrey (1984) ,”Reactionary modernism, Technology, Culture and Politics in Weimar and Third Reich”, Cambridge University Press.
2-Dabiq, ” The Flood”, Issue 2, 1435 Ramadan, p. 10.

تاریخی مهم در عراق پس از موزه بغداد بود. در این موزه آثار مختلفی از نینوا از دوران آشوری و اسلامی و تمدن بابلی وجود داشت. هم‌زمانی نابودی نمادهای تمدن بشری توسط داعش با ریخته‌شدن خون انسان‌ها توسط آنان امری اتفاقی نیست. گویی تاریخ در دور تسلسلی باطل گرفتار است همان گونه که «هاینریش هاینه» شاعر آلمانی گفته بود «جایی که کتاب‌ها سوزانده می‌شوند، سوزاندن مردم نیز قریب‌الوقوع خواهد بود.»
اشاره او به جریان کتاب‌سوزان نازی‌ها در دهه ۳۰میلادی بود که در آن کتاب‌هایی که مخالف با ایدئولوژی نازیسم به نظر می‌رسیدند از جمله کتاب‌های یهودی، صلح‌طلبانه، لیبرال‌کلاسیک، سوسیالیستی، آتاریشیستی و آثاری از نویسندگان کمونیست سوزانده شدند. تنها در سال۱۹۳۳ بیش از ۲۵هزار جلد کتاب غیرآلمانی سوزانده شدند. «ژوزف گوبلز» رئیس دستگاه تبلیغات نازی‌ها در برلین در جمع ۴۰هزارنفری مردم گفت «نه به فساد اخلاقی، آری به پاکیزگی و آراستگی اخلاقی در خانواده و دولت.»

اگر امروز داعش به زجر و آزار و اذیت و قتل اقلیت‌های دینی و قومیتی می‌پردازد، دیروز نازی‌ها به اذیت و آزار بسیاری از اتباع آلمانی می‌پرداخت و در اولین گام مخالفان سیاسی نازیسم یعنی کمونیست‌ها و سوسیال‌دموکرات‌ها را از میدان به در بردند. همچنان که زمان به سرعت می‌گذشت درهای زندان و دروازه‌های اردوگاه‌های کار اجباری برای در بندکردن گروه‌های نامطلوب در جامعه آلمان از جمله خطاکاران، خانه‌به‌دوشانی که از کار عار داشتند، فراماسون‌ها، اعضای فرقه‌های مذهبی مانند فرقه شاهدان «پیوه» و مهم‌تر از همه اقلیت‌های نژادی از کولی‌ها و یهودیان باز شد. در سال۱۹۳۹ رایش سوم آتش جنگی را که به‌ویژه در جبهه‌های شرق اروپا در وحشی‌گری و کشتار مانند نداشت شعله‌ور ساخت. درهمان حال بیماران روحی و کسانی که ظاهراً به بیماری لاعلاج مبتلا بودند، طبق برنامه «اوتانازیا» (مرگ از روی ترجم) به قتل رسیدند. تشکیلات گوناگون دولتی، حزب و ارتشیان دست به کار نابودی یهودیان شدند.

مشاهده شباهت‌های ساختاری بسیار میان حزب نازی و داعش که روزگاری یکی کتاب می‌سوزاند و درنهایت دستاوردش کوره‌های آدم‌سوزی بود و دیگری از بستر نابودی مجسمه‌های جلوه‌گر تمدن و سوزاندن سازوبرگ موسیقی به گرفتارکردن خلبان اردنی در آتش رسید، این پرسش را مطرح می‌سازد که چه عاملی سبب رشد جنبش‌های فاشیستی شده است؟ یکی در عراقی که در قلب التهاب خاورمیانه قرار دارد و دیگری در آلمانی که مهد صنعتی‌شدن در اروپا بود؟ دو کشور از دو قاره متفاوت چه شباهتی با یکدیگر داشته‌اند که یکی بذر فاشیسم ملی‌گرایانه را کاشته و دیگری بنیادگرایی مذهبی و نتیجه هر دویشان به خاک‌وخون کشیده‌شدن انسان و انسانیت بوده است؟

#### پدیش فناوری مدرن؛ نفی اندیشه مدرنیته

نازیسم و اندیشه داعش هر دو در قالب تندروترین شکل واپس‌گرایی می‌کنجند؛ این تفکر تنها به استمرار و حفظ‌کردن نمی‌نگرد بلکه اندیشه تغییر قهرایی را پی می‌گیرد و همراه با خصلت انقلابی است. موسولینی و فاشیست‌های ایتالیا قدرت نظامی و انضباط سیاسی امپراتوری روم را ستودند. کاربرد واژه «رایش» از سوی نازی‌ها خود نمایانگر گذشته‌گراییبود جنبش فاشیستی آنان بود. رایش در زبان آلمانی به معنای دولت (امپراتوری) است. نازی‌ها معتقد بودند که در آلمان سه «رایش» وجود داشته است. رایش اول با امپراتوری مقدس روم غربی که در قرن نهم میلادی در اروپای مرکزی به وجود آمد و در سال۱۸۰۶ از میان رفت، رایش دوم امپراتوری آلمان از سال۱۸۷۱ تا ۱۹۱۹ بود و رایش سوم در سال۱۹۳۳میلادی برقرار شد و به گمان نازی‌ها می‌توانست هزارسال دوام بیاورد اما در سال۱۹۴۵ از هم فرو پاشید. داعشی‌ها نیز به‌زعم خود تصویری آرمانی از دوران خلافت خلفای راشدین ساخته و پرداخته‌اند.

اگرچه در هر دو تفکر ضدیت با اندیشه مدرنیسم وجود دارد اما پیروان هیچ‌یک از آنها با فناوری مشکلی ندارند. پیشرفت‌های علمی و صنعتی نازی‌ها و استفاده داعش از تجهیزات نظامی و خودروهای جدید خود موید این موضوع است. به همین خاطر «جفری هرف» در کتابی با عنوان «مدرنیسم مرتجعانه: فناوری، فرهنگ و سیاست در دوران وایمار و رایش سوم»<sup>۱</sup> اصطلاح «مدرنیسم مرتجعانه» را به‌کار برد؛ ترکیبی لغوی که به



نواژن اعتضاد السلطنه

موزه موصل که اخیراً توسط نیروهای داعش نابود شد دومین مرکز تاریخی مهم در عراق پس از موزه بغداد بود. در این موزه آثار مختلفی از نینوا از دوران آشوری و اسلامی و تمدن بابلی وجود داشت. هم‌زمانی نابودی نمادهای تمدن بشری توسط داعش با ریخته‌شدن خون انسان‌ها توسط آنان امری اتفاقی نیست. گویی تاریخ در دور تسلسلی باطل گرفتار است همان گونه که «هاینریش هاینه» شاعر آلمانی گفته بود «جایی که کتاب‌ها سوزانده می‌شوند، سوزاندن مردم نیز قریب‌الوقوع خواهد بود.»
اشاره او به جریان کتاب‌سوزان نازی‌ها در دهه ۳۰میلادی بود که در آن کتاب‌هایی که مخالف با ایدئولوژی نازیسم به نظر می‌رسیدند از جمله کتاب‌های یهودی، صلح‌طلبانه، لیبرال‌کلاسیک، سوسیالیستی، آتاریشیستی و آثاری از نویسندگان کمونیست سوزانده شدند. تنها در سال۱۹۳۳ بیش از ۲۵هزار جلد کتاب غیرآلمانی سوزانده شدند. «ژوزف گوبلز» رئیس دستگاه تبلیغات نازی‌ها در برلین در جمع ۴۰هزارنفری مردم گفت «نه به فساد اخلاقی، آری به پاکیزگی و آراستگی اخلاقی در خانواده و دولت.»

اگر امروز داعش به زجر و آزار و اذیت و قتل اقلیت‌های دینی و قومیتی می‌پردازد، دیروز نازی‌ها به اذیت و آزار بسیاری از اتباع آلمانی می‌پرداخت و در اولین گام مخالفان سیاسی نازیسم یعنی کمونیست‌ها و سوسیال‌دموکرات‌ها را از میدان به در بردند. همچنان که زمان به سرعت می‌گذشت درهای زندان و دروازه‌های اردوگاه‌های کار اجباری برای در بندکردن گروه‌های نامطلوب در جامعه آلمان از جمله خطاکاران، خانه‌به‌دوشانی که از کار عار داشتند، فراماسون‌ها، اعضای فرقه‌های مذهبی مانند فرقه شاهدان «پیوه» و مهم‌تر از همه اقلیت‌های نژادی از کولی‌ها و یهودیان باز شد. در سال۱۹۳۹ رایش سوم آتش جنگی را که به‌ویژه در جبهه‌های شرق اروپا در وحشی‌گری و کشتار مانند نداشت شعله‌ور ساخت. درهمان حال بیماران روحی و کسانی که ظاهراً به بیماری لاعلاج مبتلا بودند، طبق برنامه «اوتانازیا» (مرگ از روی ترجم) به قتل رسیدند. تشکیلات گوناگون دولتی، حزب و ارتشیان دست به کار نابودی یهودیان شدند.

